

ارائه مدل دفاعی-امنیتی آمایش مراکز نظامی و زیرساخت‌ها مطالعه موردی: استان کرمانشاه

احمد طیبی صفا

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عزت‌الله عزتی^۱

دانشیار گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرهاد حمزه

استادیار گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

چکیده

آمایش سرزمین توزیع متوازن و هماهنگ کلیه فعالیت‌ها در پهنه سرزمین است و هدف از اجرای آن، تنظیم روابط بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان برای بهره‌برداری منطقی از جمیع امکانات در طول زمان است. چنانچه فعالیت‌های یک کشور در پهنه سرزمین از نظم منطقی در پهنه استقرار فعالیت، جمعیت و رعایت اصول پایه آمایش سرزمین و پدافند غیرعامل برخوردار باشد، اثر قاطعی در کاهش تلفات و خسارت وارده در شرایط بحرانی دارد چنانکه جنگ تحمیلی عراق حاوی نکات عبرت‌آموزی در ساماندهی فضایی کشور در چارچوب ملاحظات دفاعی-امنیتی است. اهمیت این موضوع برای استان کرمانشاه با وجود جغرافیای جمعیتی نامتجانس بیشتر می‌باشد زیرا امکان وقوع هرگونه تهدیدی از سوی بازیگران غیردولتی و حامیان آنها در داخل و خارج از مرزهای استان کرمانشاه محتمل است. از این رو، با یک تجزیه و تحلیل درست از وضعیت امنیتی استان می‌توان راهکارهای برون‌رفت از آنرا شناخت و به ارائه راهکار منطقی پرداخت. تحقق این امر ممکن نیست مگر اینکه، کلیه امکانات ژئواستراتژیکی استان کرمانشاه را به خوبی شناخت و تحلیل درستی از محیط امنیتی و تهدیدات پیرامون داشت لذا اجرای هرگونه طرحی با تطبیق اوضاع امنیتی و پیوست دفاعی-امنیتی آن باید همراه باشد. این مقاله نیز با این هدف با روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفته و داده‌های مورد نیاز گردآوری شدند نتایج بررسی‌ها نشان داد استان کرمانشاه علیرغم اینکه موقعیت جغرافیایی ممتازی دارد اما برخی ناپایداری‌ها و بی‌ثباتی‌ها سبب شده با مسائلی همچون؛ عدم توازن فضایی در بخش‌های اقتصادی، صنعتی، جمعیتی، استقرار مراکز اماکن نظامی و تأسیسات در بخش‌های مرکزی و شرقی و افزایش آسیب‌پذیری‌ها در حوزه دفاعی-امنیتی مواجه باشد.

کلیدواژه‌گان: آمایش، مراکز نظامی و زیرساخت‌ها، استان کرمانشاه، تئوری واردن.

مقدمه

استان کرمانشاه با مساحت تقریبی ۲۴۹۹۸ کیلومتر مربع و ۳۳۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق از جایگاه مهمی برخوردار است و علیرغم اینکه موقعیت جغرافیایی ممتازی دارد و از پتانسیل‌های محیطی و انسانی برخوردار است اما تاکنون نتوانسته جایگاه واقعی خود را بیابد لذا ضروری است یک سری ملاحظات به ویژه در حوزه برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین مورد توجه اساسی واقع شود تا برخی ناپایداری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی که اصلی‌ترین تهدیدات فیزیکی و عملکردی در فضا هستند از بین برود و سطح توسعه‌یافتگی متوازن می‌گردد. در صورت تحقق این موضوع سطح امنیت در حوزه‌های مختلف نیز بالا می‌رود و در نتیجه کلیه مناطق و فعالیت‌های آن در چارچوب برنامه‌های آمایش سرزمین نمایان و در مقابل انواع تهدیدات و بحران‌ها ایمن می‌شود اما در صورتی که برنامه‌های آمایش سرزمین و ملاحظات دفاعی - امنیتی آن در طرح‌های توسعه‌ای رعایت نشود و روابط فضایی متناسب با ظرفیت‌ها و پهنه جغرافیایی تنظیم نگردد با وجود جغرافیای نامتجانس استان کرمانشاه و مسائل خاص مربوط به آن، تهدیدات جدی متوجه امنیت استان کرمانشاه در حوزه‌های مختلف می‌شود لذا با یک تجزیه و تحلیل درست از وضعیت آمایش سرزمین به ویژه در حوزه دفاعی - امنیتی می‌توان موانع و راه‌های برون‌رفت از آنرا به خوبی شناخت و به ارائه راهکار منطقی پرداخت بنابراین تلاش در جهت بررسی مسائلی همچون؛ شناخت و بررسی تهدیدات، مدیریت منطقی فضای جغرافیایی استان کرمانشاه براساس اصول آمایش سرزمین به منظور ایجاد تعادل فضایی، بایدها و نبایدهای چگونگی استقرار جمعیت و فعالیت‌ها برای تجمع گروه‌های انسانی و به ویژه جانمایی مناسب زیرساخت‌های دفاعی و دارایی‌های مهم در مقابل تهدیدات از جمله موضوعاتی است که این مقاله به دنبال بررسی آنهاست. گزاره اصلی تحقیق نیز این است که با توجه به تهدیدات موجود در استان کرمانشاه، نحوه استقرار و مکان‌گزینی مراکز نظامی و زیرساخت‌ها چگونه باید باشد؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید فضای جغرافیایی و منابع تهدید در استان کرمانشاه را به خوبی شناخت سپس مدل دفاعی - امنیتی آمایش سرزمینی را بر اساس آن ارائه داد.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مفهوم تهدید

تهدید در لغت به معنای بیم دادن، ترساندن و عقوبت دادن است. فرهنگ معین تهدید را ترساندن و بیم دادن معنی کرده و لرنر تهدید را عبارت از هر چیزی که بتواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد، دانسته و معتقد است تهدیدات، منافع ملی را هدف قرار می‌دهند. در پاره‌ای از متون نیز تهدید به معنای توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی خودی به مقاصد امنیت ملی، تعریف شده است توانایی‌ها، اقدامات و مداخله‌های دشمنان بالفعل و بالقوه برای به خطر انداختن منافع ملی یا ممانعت از دستیابی یک کشور به علایق و مقاصد امنیت ملی خود را تهدید می‌گویند.

منظور از تهدید، هر عنصر یا وضعیتی است که موجودیت و ارزش‌های حیاتی را به خطر بیندازد. می‌توان گفت تهدید مفهومی انتزاعی است که در هم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد؛ لذا هر جا که موضوع امنیت و امنیت ملی مورد مذاقه قرار می‌گیرد، حتماً از تهدید نیز سخن به میان می‌آید. صاحب‌نظران در مورد تعریف تهدید نیز مانند

تعریف امنیت اختلاف نظر داشته و هریک متناسب با دیدگاه خود، تعریفی خاص ارائه نموده‌اند. اولین عامل مؤثر در پیدایش ایده تهدید و اطلاق آن بر یک پدیده خاص، نوع نگرش امنیتی است که بازیگر نسبت به تعریف و تحلیل پدیده مزبور اتخاذ می‌نماید. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۶۹)

بری بوزان عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید را شامل موارد زیر می‌داند:

- مشخص بودن هویت آن

- قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از نظر زمانی

- شدت احتمال وقوع تهدید

- اوضاع و شرایط تاریخی که باعث تقویت آن می‌شوند.

بوزان معتقد است: فقدان امنیت و ناامنی، بازتابی ترکیبی از تهدیدها و آسیب‌پذیری‌هاست که جدا ساختن معنادار آن‌ها از یکدیگر ناممکن است. از نظر وی مهم‌ترین مفهوم تهدید آن است که متوجه امنیت و منافع ملی می‌گردد. به عبارت دیگر تهدید پدیده‌ای است که می‌تواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد.

پاره‌ای از متون سیاسی - امنیتی، تهدید را به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به‌نحوی که نیل به علایق و مقاصد به خطر افتد، تعریف کرده‌اند. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۶۹)

منابع تهدید:

تهدیدات از نظر منبع آن به دو نوع، تهدیدات غیرطبیعی (نظامی) و تهدیدات طبیعی تقسیم می‌گردند:

الف - تهدیدات نظامی

تهدیدات نظامی تهدیداتی است که به‌طور عمده به‌وسیله دشمن خارجی با استفاده از ابزار و آلات نظامی متوجه منطقه موردنظر می‌شود. آنچه به‌عنوان خطر واقعی و ملموس، برای بقای کشور محسوب می‌شود، تجاوز به آن کشور است؛ زیرا معمولاً اقدام نظامی، تمامی عوامل تشکیل‌دهنده کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد. تهدیدات خارجی ابعاد و ماهیت مختلفی دارند که تهدید نظامی یکی از انواع آن می‌باشد. تهدیدهای نظامی، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد که هرکدام از آن‌ها نسبت به دیگری، با شدت متفاوتی امنیت ملی کشور را به خطر می‌اندازد. شورش، تجزیه‌طلبی، شرارت‌های منطقه‌ای، کودتا، براندازی، سطوح مختلف جنگ و مداخله نظامی خارجی انواع مختلف تهدیدات نظامی را شامل می‌شوند که تشریح و توضیح هرکدام از آن‌ها به بحث جداگانه‌ای نیاز دارد، به‌طور طبیعی اولین هدف موردنظر دشمن در حمله و تهاجم نظامی به یک کشور، مراکز و استقرار گاه‌های نظامی آن کشور است لذا رویکرد آمیسی به ساماندهی سازمان دفاعی یک کشور منجر به این مسئله می‌شود که به‌گونه‌ای استقرار یابند که حداکثر امنیت و قابلیت دفاعی را برای کشور فراهم کنند. در این بین استان‌های مرزی کشور دارای موقعیت، شرایط و ویژگی‌های خاص بوده و تفاوت‌های سیاسی - فضایی با سایر استان‌های داخل کشور دارند. از این‌رو، در طرح‌های آمایش استان‌های مرزی باید ملاحظات دفاعی - امنیتی متناسب با این ویژگی‌های دفاعی - امنیتی آن‌ها تدوین و اجرا شود (امینی ورکی و کریمی: ۱۳۹۲: ۲۵).

استقرار یگان‌های نظامی در محیطی مناسب بر مبنای معیارها و ملاحظات دفاعی و امنیتی باعث بالا رفتن کارایی و

اثر بخشی آن‌ها می‌شود. در حال حاضر سازمان فضایی بخش دفاع غالباً در سطح فضای کشور بدون نظم منطقی پراکنده‌اند، هر چند در فرآیند مکان‌گزینی آن‌ها عامل یا عوامل ویژه‌ای دخالت داشته‌اند، ولی از یک الگوی نظری سیستماتیک تبعیت نمی‌کنند. هدف از آمایش سرزمین در رابطه با بخش دفاع، استقرار بهینه واحدهای نظامی برای تأمین حداکثر قابلیت دفاع و حداقل آسیب‌پذیری می‌باشد. (شمسای زفرقندی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

ب- تهدیدات طبیعی

تهدیدات طبیعی بر اثر وقوع حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل، آتش‌فشان، رانش زمین، طوفان، خشک‌سالی و ... ایجاد می‌شود. در حالی که تهدیدات غیرطبیعی معلول پیشرفت تمدن و گسترش صنایع و نزاع و درگیری انسان‌ها است. تهدیدات طبیعی دارای ویژگی‌های مشخص و قابل پیش‌بینی است و بنابراین سازوکار شکل‌گیری و اثرات این نوع تهدیدات را می‌توان شناخته و به مقابله با آن پرداخت. شاخص‌های فیزیکی و طبیعی به دلیل ایستا بودن و عدم تغییر در طول زمان، از اهمیت بسیاری در مباحث مکان‌یابی برخوردار است به طوری که عدم توجه به آن می‌تواند تبعات منفی و خسارت جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. لذا مخاطرات طبیعی را می‌توان مجموعه‌ای از حوادث زیان‌بار دانست که بر اثر عملکرد طبیعت به صورت تدریجی و گهگاه ناگهانی در قلمرو شهرها رخ می‌دهند. این حوادث معمولاً غیرقابل پیش‌بینی بوده و یا حداقل از مدت‌های قبل نمی‌توان وقوع آن‌ها را پیش‌بینی نمود. (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۲: ۵۷).

مدل در جغرافیا

مدل در لغت به معنای نمونه، سرمشق، طرح، نقش، نمونه کوچکی از چیزی، قالب و ... آمده است در علم جغرافیا به مجموعه‌ی آنچه که آموزش یک مفهوم جغرافیایی را سهولت بخشد و در ساده کردن تفهیم یک موضوع پیچیده‌ی جغرافیایی کمک کند یا یک نظریه یا فرضیه جغرافیایی تجربه شده را اثبات نماید، مدل جغرافیایی می‌گویند. (سعیدی عباس، ۱۳۸۷: ۱۷۴) در مدل‌های جغرافیایی انسان نیز به مجموعه سیستم اضافه می‌شود و اثرات انسان در سیستم مورد اندازه‌گیری و ارزیابی قرار می‌گیرد. یعنی روابط علت و معلولی درون سیستم پس از تغییر بعضی از حلقه‌های سیستم توسط انسان بررسی و شناسائی می‌گردد. در یک طبقه‌بندی مدل‌ها را به چهار گروه تقسیم می‌کنند که به اختصار عبارتند از:

۱. مدل ساده خطی ۲. مدل مشابه سازی ۳. مدل مقیاس کارکردی یا فیزیکی ۴. مدل ادراکی یا استنتاجی این مدل‌ها به دنبال بررسی‌های به عمل آمده در مورد یک فرضیه یا نظریه در یک محیط واقعی تعریف می‌شوند مانند؛ مدل تنگناهای ژئوپلیتیکی پیترو هاگت، مدل فون تانن، مدل مکان مرکزی و مدل گردش عمومی هوا. (سعیدی عباس، ۱۳۸۷: ۱۷۵)

آمایش

آمایش سرزمین را مجموعه‌ای از دانش‌ها، فنون، اصول، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات هماهنگ به منظور سامان‌دهی و نظم بخشیدن به فضاها و مکان‌های زیستی و جغرافیایی می‌دانند. (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۳) از نگاهی دیگر، آمایش سرزمین سازمان‌دهی هماهنگ و سزاوار فضای حیاتی کشور در قالب سیاست‌های کلی، توسعه همه‌جانبه کشور و ضرورت‌های دفاعی است. به عبارتی آمایش سرزمین؛ طبقه‌بندی فعالیت‌های گوناگون و پیچیده انسان در فضای جغرافیایی است تفکری است که تمامی جنبه‌های توسعه یک کشور را مدنظر قرار می‌دهد، یک برنامه‌ریزی

استراتژیک و هدفمند و یک راهکار کاملاً جغرافیایی و بی‌بدیل برای توسعه پایدار کشورها است. لذا توجه به آمایش سرزمین همواره باید مدنظر باشد زیرا نتیجه برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در فضا نمایان می‌شود و نپرداختن به آن ممکن است موجب رشد برخی نقاط و بی‌توجهی به مناطق دیگر شود که نتیجه آن رشد ناموزون اقتصادی، توسعه نیافتگی، افزایش فقر، بیکاری، مهاجرت، قاچاق، احساس محرومیت و در نهایت به خطر افتادن امنیت ملی است. (چوخاچی‌زاده مقدم، ۱۳۸۱: ۱۰).

آمایش دفاعی - امنیتی^۱

آمایش دفاعی - امنیتی را سازماندهی محیط جغرافیایی کشور و توزیع معقول، منطقی و مناسب یگان‌ها و امکانات آن با توجه به تهدیدات و استفاده بهینه از قابلیت‌های محیطی به منظور ایجاد ثبات، بازدارندگی و مقابله با تهدیدات» تعریف کرده‌اند، اعمال دیدگاه‌های دفاعی - امنیتی در طرح‌های آمایشی نیز نشان دهنده هم‌پیوندی عملکردی میان فعالیت‌ها از یک طرف و تشکیلات دفاعی از طرف دیگر است، اما آنچه قابل توجه است این است که تاکنون در طرح‌های آمایشی کشور به ملاحظات دفاعی - امنیتی کمتر توجه شده و از ارائه طرح‌ها و راه‌کارهایی برای دفاع سرزمینی و حفاظت از استقرار گاه‌های نظامی، مراکز و تأسیسات حیاتی، حساس و مهم در مقابل تهدیدات و حملات نظامی غفلت شده است. (پورموسوی، ۱۳۸۶: ۵). لذا در طرح‌های آمایشی رعایت ملاحظات دفاعی - امنیتی تابع متغیرهای متعددی است که باید مورد توجه قرار گیرند مهم‌ترین این متغیرها عبارتند از:

۱- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد نظر

۲- نوع و سطح تهدیدات نظامی و امنیتی که متوجه منطقه مورد نظر است

۳- منشأ و منبع تهدیدات در منطقه مورد نظر

۴- راهکارها و طرح‌های پدافند غیرعامل متناسب با نوع تهدیدات،

هدف از آمایش سرزمین در رابطه با بخش دفاع و امنیت، جانمایی بهینه واحدهای نظامی در فضا برای تأمین حداکثر قابلیت دفاع و حداقل آسیب‌پذیری می‌باشد (چوخاچی‌زاده مقدم، ۱۳۷۸: ۵۲). به عبارتی آمایش دفاعی - امنیتی در برگیرنده چینش عاقلانه فعالیت‌های نظامی در واحد ملی به منظور کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است، از سوی دیگر با وجود تهدیدات روزافزون در پیرامون مرزهای کشور، توجه به ملاحظات دفاعی - امنیتی در طرح‌های آمایش سرزمین بسیار مهم است (رهنمایی، ۱۳۸۱: ۷۲) زیرا تحلیل تهدیدات نظامی - امنیتی در چارچوب برنامه‌های آمایش، مستلزم شناخت انواع تهدیدات، منبع و منشأ تهدیدات، مناطق مورد تهدید و سرانجام ارائه راه‌کارهایی برای مقابله با تهدیدات است. در این میان استان‌ها و مناطق مرزی نیز به دلیل ویژگی تماس با محیط خارجی، همواره در معرض انواع تهدیدات قرار دارند و این ویژگی مناطق مرزی آن را در برابر تهدیدات خارجی آسیب‌پذیر می‌کند. از این رو است که در طرح‌های آمایشی استان‌های مرزی ملاحظات دفاعی - امنیتی باید متناسب با این ویژگی‌ها تدوین و اجرا شود. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

نظریه راهبردی انهدام مراکز ثقل (پنج حلقه واردن)

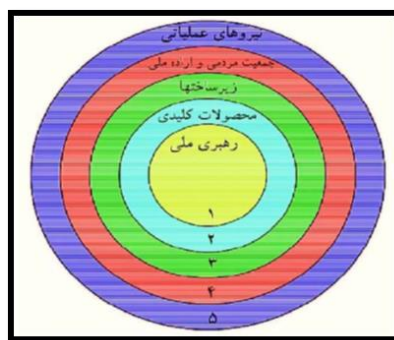
در استراتژی انهدام مراکز حیاتی که به حلقه‌های استراتژیک واردن نیز شهرت یافته است، کشور موردتهاجم به‌عنوان

^۱ - Spatial Planning

یک سیستم ارگانیک محسوب گردیده و در این راستا اساسی‌ترین وظیفه را در طرح‌ریزی جنگ، شناسایی مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور موردتهاجم می‌دانند و اثبات‌شده، چنانچه این مراکز با دقت لازم شناسایی و مورد هدف قرار گیرند، کشور موردتهاجم در اولین روزهای جنگ، طعم شکست را چشیده و به‌سرعت در کوتاه‌ترین زمان به خواسته‌های کشور مهاجم مبنی بر تغییر رفتار تن خواهد داد که سرانجام آن تسلیم است. استراتژی واردن مبتنی بر پنج حلقه مرکزی است. این پنج حلقه به‌صورت دوایری با مرکزیت واحدی قرار دارند و در مجموع سامانه و ساختار قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند. جان واردن در سال ۱۹۸۸ کتاب نبرد هوایی را تدوین کرد، وی به‌عنوان مشاور نظامی امنیت ملی آمریکا، نظریه خود را که به تئوری پنج حلقه واردن مشهور است به پنتاگون و فرمانده نظامی آن‌وقت، ژنرال نرمن شوارتس کف و کالین پاول ارائه و موردقبول واقع شد این تئوری همان‌گونه از اسم آن برمی‌آید دارای پنج حلقه است. (جلالی‌فراهانی، ۱۳۹۱: ۱۱). این حلقه‌ها که ساختارهای اصلی قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند به ترتیب عبارتند از:

۱. رهبر ملی که با انهدام آن‌ها تصمیم‌گیری‌های کلان مدیریت استراتژیک با چالش مواجه می‌شوند که نقش مغز را در دفاع غیرعامل بازی می‌کنند.
۲. محصولات کلیدی مانند تأسیسات برق، پالایشگاه‌ها، مخازن سوخت، نیروگاه‌های هسته‌ای، شبکه آب‌رسانی، سردخانه‌ها و انبارهای عمده مواد غذایی و... این تأسیسات نقش جریان خون و سیستم هاضمه بدن را ایفا می‌کنند، به‌طوری‌که با انهدام آن‌ها فعالیت سایر دستگاه‌ها و زیرساخت‌ها را مختل می‌شوند.
۳. زیرساخت‌های حمل‌ونقل یا زیرساخت‌های مواصلاتی مانند فرودگاه‌ها، راه‌آهن، بندرها، پل‌ها و شبکه‌های مخابراتی و ... که نقش سیستم‌های حرکتی در بدن انسان را ایفا کرده و با انهدام آن‌ها سامانه‌های حمل‌ونقل مختل می‌شود.
۴. جمعیت مردمی و اراده ملی با تضعیف روحیه نیروهای مسلح و جامعه از طریق جنگ نرم مانند پخش اعلامیه و شایعه‌سازی باهدف شکاف میان جامعه و حاکمیت اراده مردم برای دفاع از بین می‌رود.
۵. نیروهای عملیاتی انهدام مراکز، پایگاه‌های و قرارگاه‌های عملیاتی مانند پایگاه‌های موشکی، سایت‌های پدافند هوایی، پایگاه‌های هوایی و دریایی و نیروهای خط مقدم جبهه باهدف حذف موانع پیشروی ارضی، راهبرد مراکز ثقل به‌صورت پنج حلقه و به شکل دوایر متحدالمرکزی می‌باشند که نمودار و جدول شماره ۱ و مقایسه آن‌ها را با سیستم ارگانیک نشان می‌دهد. (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۵).

نمودار ۱. حلقه‌های راهبردی واردن



منبع: (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶)

جدول ۱. مقایسه حلقه‌های راهبردی واردن با سیستم ارگانیک

حلقه اول	حلقه دوم	حلقه سوم	حلقه چهارم	حلقه پنجم
رهبری ملی	محصولات کلیدی	زیرساخت‌های مواصلاتی	جمعیت مردمی و اراده ملی	نیروهای عملیاتی
سیستم ارگانیک	مغز	خون و سیستم هاضمه	رگ و سیستم حرکتی	روح و روان
				سلول‌های دفاعی

هرچند به نظر می‌رسد که این تئوری در جنگ علیه کشورهای توسعه‌نیافته و غیر صنعتی کارایی کمتری داشته باشد؛ اما در عمل چنین نبوده است به‌عنوان مثال، در جنگ افغانستان حلقه اول واردن مقرهای رهبری (طالبان) بوده است که این مصداقی عینی برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته است. در یک نگاه اجمالی در شبکه‌های تروریستی و شورشی، باید پنج حلقه واردن چندان کاربردی نداشته باشد اما همواره چنین نبوده است به‌عنوان مثال می‌توان به جنگ ۷۹ روزه یا ۱۱ هفته‌ای یوگسلاوی اشاره کرد که در این جنگ از نیروی هوایی علیه اهداف و زیرساخت‌های یوگسلاوی استفاده شد. هرچند در گذشته شرایط نامساعد جوی مانعی در جهت کاهش حملات هوایی محسوب می‌شد اما امروزه با توجه به فناوری‌های جدید جنگی هواپیماهای مدرن تهاجمی امکان حمله در شرایط جوی نامناسب امکان‌پذیر است و فناوری‌های دیگری مانند موشک کروز (توموهاک) توانایی لازم را در تمام شرایط جوی با پرتاب حداقل ۱۵۰۰ کیلومتر را دارد. با توجه به اینکه اساس این تئوری، به حملات هوایی تکیه دارد در صورتی که دشمن دارای قدرت دفاع قوی و یا اهداف مخفی سازی شده هم باشد، امکان کاهش آسیب‌پذیری اهداف به میزان صد درصد متصور نیست و دشمن با توجه به اطلاعات دقیق اخذ شده با استفاده از نقاط ضعف اهداف خود را انتخاب و به آن‌ها حمله می‌نماید. این تئوری پس از ارائه در چند جنگ زیر مورد توجه فرماندهان عملیاتی قرار گرفته است:

- ۱) حمله آمریکا و متحدین به عراق در جنگ ۴۳ روزه ۱۹۹۱ (جنگ اول خلیج فارس)
- ۲) جنگ دوم خلیج فارس ۲۰۰۳، جنگ کوزوو (جنگ ۱۱ هفته‌ای سال ۱۹۹۹ ناتو علیه یوگسلاوی)، ۳) جنگ آمریکا و انگلیس علیه عراق
- ۴) جنگ‌های ۲۲، ۸ و ۵۱ روزه غزه و رژیم صهیونیستی،
- ۵) جنگ ۳۳ روزه لبنان و رژیم صهیونیستی،
- ۶) جنگ عربستان و یمن در سال ۲۰۱۵. (جلالی فراهانی ۱۳۹۱: ص ۱۳)

محیط شناسی تحقیق

استان کرمانشاه با مساحتی در حدود ۲۴۹۹۸ کیلومتر مربع در غرب ایران واقع شده و ۱/۵ درصد از خاک کشور ایران را شامل می‌شود. این استان بین ۳۳ درجه و ۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۶ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد که از شمال به استان کردستان، از شرق به استان‌های همدان و لرستان، از جنوب به استان ایلام و از غرب با کشور عراق به طول ۳۳۶ کیلومتر مرز مشترک همسایه است شهر کرمانشاه به عنوان مرکز استان در ۵۲۲ کیلومتری جنوب غرب تهران واقع شده است و

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری استان کرمانشاه دارای ۱۴ شهرستان، ۲۹ بخش، ۸۵ دهستان و ۲۸ نقطه شهری است. (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمانشاه، ۱۳۸۶: ۳). استان کرمانشاه منطقه‌ای کوهستانی است که با ارتفاع متوسط ۱۲۰۰ متر از سطح دریا بخشی از رشته کوه زاگرس و بین کوه‌های زاگرس و کوه‌های مرکزی ایران قرار گرفته است. مرتفع‌ترین رشته‌های آن کوه‌های بیستون، پراو و پاتاق می‌باشد (اسماعیلی، صفری، مرادی، امین زاده، ۱۳۸۸: ۳). برخلاف استان کردستان که ارتفاعات آن دارای شکل معینی نیست در استان کرمانشاه کلیه رشته ارتفاعات موازی با یکدیگر و تقریباً دارای یک جهت شمال غربی - جنوب شرقی می‌باشند ولی نسبت به خط مرزی قسمتی از این کوهستان به طور مایل واقع بوده و در نتیجه دره‌های آن‌ها تا خاک عراق امتداد داشته راه‌های ورودی زیادی ممکن است در آن‌ها یافت (رزم آراء، علی، ۱۳۲۲: ۱۳) آب و هوای استان کرمانشاه معتدل کوهستانی است البته به غیر از حاشیه غرب نوار مرزی که در مجاورت کشور عراق قرار گرفته است بقیه مناطق استان از نظر آب و هوایی تحت تأثیر دو عامل مهم جغرافیایی می‌باشد از یک طرف به علت وجود ارتفاعات و پوشش نباتی جنگلی و تنک دارای آب و هوای معتدل است و از طرف دیگر به دلیل نزدیک بودن به جلگه بین‌النهرین تحت تأثیر بادهای گرم و سوزان قرار گرفته است (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). تابستان‌های گرم و خشکی دارد ولی روی هم رفته هر اندازه از غرب به سمت شرق می‌رویم آب و هوا مساعدتر و بالعکس خواهد بود. به همین دلیل اختلاف درجه حرارت سالانه این منطقه نزدیک به ۶۰ درجه سانتیگراد است (عزتی، ۱۳۳۸: ۶۶) عمده مردم استان کرمانشاه از نظر دینی مسلمان هستند اما ادیانی مانند زرتشتی، مسیحی و کلیمی نیز به صورت محدود در آن سکونت دارند در ارتباط با پراکندگی مذهبی، عمده جمعیت استان کرمانشاه از نظر مذهبی شیعه اند که در شهرهای شرقی استان و شهرهای کرمانشاه، اسلام آباد غرب، گیلان غرب، قصرشیرین و سرپل ذهاب ساکن هستند پس از آن اهل سنت شافعی که در منطقه اورامانات و شهرهای کرمانشاه و سرپل ذهاب ساکن هستند و در نهایت نیز جمعیت اهل حق که به صورت پراکنده در شهرهای صحنه، کنگاور، دالاهو، قصرشیرین، سرپل ذهاب و اسلام آباد غرب ساکن هستند. اکثریت ساکنین منطقه اورامانات، اهل تسنن و پیرو مذهب شافعی می‌باشند، با وجود این در بین اکراد منطقه، طریقت‌های مختلفی نیز دیده می‌شود از جمله قادریه و نقشبندیه، وابستگی مردم این ناحیه از استان کرمانشاه به کردهای عراق و اینکه جمعیت این مناطق اهل تسنن و پیرو مذهب شافعی می‌باشند سبب شده میل به واگرایی در منطقه افزایش یابد. زبان کردی زبان غالب مردم استان کرمانشاه است که عامل اصلی همگرایی و انسجام در سطح استان بوده است اما گویش‌های کردی کرمانشاهی، کلهری، زنگنه ای، سنجابی، گورانی، همچنین در بخش‌های از سنقر ترکی سنقری و لکی در بخشی‌هایی از شهرستان‌های کنگاور، کرمانشاه، هرسین، صحنه، دینور و بخش‌هایی از بیستون رواج دارد. هورامی، جافی و سورانی نیز در بخش‌هایی از شهرهای جوانرود، روانسر، ثلاث باباجانی و بخش‌هایی از پاوه و سرپل ذهاب رواج دارد. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت استان کرمانشاه برابر با ۱۹۵۲۴۳۴ نفر بوده (۵۰/۶ درصد مرد و ۴۹/۴ درصد زن) که در مقایسه با سرشماری نفوس و مسکن در آبان ماه سال ۱۳۹۰ متوسط رشد جمعیت برابر با ۰/۷ درصد بوده است. (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۹۵: ۴۵)

روش شناسی تحقیق

از آنجاکه این مقاله به تحلیل شاخص‌های دفاعی - امنیتی در نحوه استقرار و مکان‌یابی مراکز نظامی، صنایع و تأسیسات مهم در استان کرمانشاه می‌پردازد، از نظر هدف کاربردی بوده و با توجه به اینکه روش شناسی خاصی برای

کشف نقاط بهینه به منظور چینش منطقی و معقولانه مراکز نظامی و زیرساخت های مهم به کار برده است، توسعه ای تلقی می شود، از منظر روش، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است، ابزار گردآوری داده ها به صورت اسنادی و کتابخانه ای بوده و روش تجزیه و تحلیل یافته ها نیز به صورت تحلیل محتوی صورت گرفته است. همچنین در این تحقیق از مدل جغرافیایی ادراکی یا استنتاجی استفاده شده که نتیجه بررسی های به عمل آمده در مورد یک فرضیه یا نظریه جغرافیایی را به صورت یک مدل نظری برای اجرا در محیط واقعی ارائه نموده است.

یافته های تحقیق:

مبادی تهدید در استان کرمانشاه

موضوع مهم دیگر در زمینه تحلیل تهدیدات نظامی، شناخت مبادی تهدید و بررسی و تحلیل آن ها است. وقتی در یک منطقه جغرافیایی تهدیدی مطرح می شود برای انعکاس در زمینه جغرافیایی باید ابتدا کانون و یا مبدأ آن تهدید تعیین شود. بنابراین محدوده تحرک و فعالیت عاملین تهدید می تواند خط یا نقطه مبدأ تهدید را مشخص کند؛ اگر دو کانون عراق و اقلیم کردستان زمینه ای برای تحرک و فعالیت تهاجمی دشمن در نظر گرفته شود، نزدیک ترین حد این تحرک نسبت به پهنه سرزمینی خودی را مرزهای آن می توان دانست، در واقع خط مذکور به عنوان مبدأ تهدید مطرح بوده و مبنای محاسبه تهدیدات و خطرات بعدی واقع می شود و در مرحله بعدی این محاسبات، توانمندی دشمن در استفاده از مبادی جغرافیایی تهاجم در قالب دسته بندی فواصل از این مبدأ و ارزیابی بُرد سیستم تهاجم و تخریب مهاجم نسبت به این مبدأ مدنظر قرار خواهد گرفت و بر این اساس درجه بندی تهدیدات صورت می گیرد البته درجه بندی تهدیدات نیز متفاوت خواهد بود (سالاری فر، ۱۳۸۱: ۱۱۴). با توجه به اینکه در این بحث، موضوع تهدیدات نظامی و تهاجم دشمن خارجی مطرح است، به طور طبیعی مرز با همسایگان به عنوان مهم ترین و اصلی ترین مبدأ تهدیدات نظامی - امنیتی مطرح است. بررسی وضعیت تهدیدات مجاور نشان می دهد امروزه تهدیدات جدید شامل مجموعه اقداماتی است که به طور عمده از سوی آمریکا و اسرائیل با بکارگیری عناصر منطقه ای آنها انجام می شود. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۷۱). با توجه به این که محدوده مورد مطالعه استان کرمانشاه است لذا در بخش مبادی تهدید، فقط کشور عراق و اقلیم کردستان به عنوان مبادی تهدید مطرح هستند و حضور نیروهای آمریکایی، انگلیسی، اسرائیلی و عناصر منطقه ای آنها در عراق نیز نشان دهنده تهدیدات امنیتی است که از سوی این دو مبدأ متوجه امنیت استان کرمانشاه خواهد بود

منابع و دارایی های آسیب پذیر

بررسی و شناخت مناطق و اهدافی که در معرض تهدیدات نظامی دشمن بوده و به واسطه آن ها در معرض آسیب و خطر نابودی قرار می گیرند، در تحلیل آمایش دفاعی - امنیتی محور بسیار مهمی محسوب می شود. لذا از نظر کارشناسان، مهم ترین تهدیدات نظامی که متوجه مراکز نظامی و غیرنظامی به خصوص شهرهاست عبارتند از:

۱. تهدیدات هوایی و موشکی؛ این تهدیدات که از فاصله دور به وسیله دشمن به کار گرفته می شود و در آن از سلاح های زیر استفاده می شود: الف) سلاح های متعارف شامل؛ سلاح های تخریبی و انفجاری، مانند؛ سلاح های استفاده شده آمریکا علیه افغانستان و عراق و همچنین اسرائیل علیه لبنان ب) سلاح های غیرمتعارف شامل؛ سلاح های شیمیایی مانند؛ بمباران شهر حلبچه و سردشت به وسیله رژیم بعث عراق، سلاح های میکروبی و سلاح های هسته ای

مانند؛ بمباران شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن به‌وسیله آمریکا.

۲. تهاجم زمینی دشمن به شهرها؛ در این مرحله دشمن به‌منظور تصرف شهرها، مراکز جمعیتی، تأسیسات زیربنایی و مراکز حساس و حیاتی به آن کشور حمله زمینی می‌کند، مثل اشغال شهرهای قصر شیرین، نفت شهر، خرمشهر، آبادان، مهران و سوسنگرد به وسیله عراق، اشغال شهرهای بصره و بغداد به‌وسیله آمریکا، اشغال شهر کویت به‌وسیله ارتش عراق و یا اشغال شهر موصل به وسیله نیروهای داعش در عراق. به‌طورمعمول در حملات نظامی به خصوص حملات هوایی و موشکی کشور مهاجم با دو نوع هدف مواجه است؛ یک دسته؛ اهداف نظامی که شامل استقرار گاه‌های مختلف نظامی می‌شود و دوم؛ شهرها، مراکز جمعیتی، تأسیسات زیربنایی و مراکز حساس و حیاتی که از صحنه نبرد دور بوده اما حمله و نابودی آن‌ها نقش مهمی در پیروزی یا شکست دشمن ایفا می‌کند (سعیدی عباس، ۱۳۸۷: ۳۳۷).

انطباق نظریه راهبردی انهدام مراکز ثقل با اهداف عملیاتی

روش‌های تحلیل تصاویر و طراحی تهاجم ارتش آمریکا نشان می‌دهد که مهم‌ترین مبانی مطرح‌شده در طراحی تهاجمات این کشور، بر اساس تئوری پنج حلقه ای واردن است. در استراتژی انهدام مراکز حیاتی که به حلقه‌های استراتژیک نیز شهرت یافته است، کشور موردتهاجم به‌عنوان یک سیستم ارگانیک محسوب گردیده و در این راستا اساسی‌ترین وظیفه را در طرح‌ریزی جنگ، شناسایی مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور موردتهاجم می‌دانند. در «راهبرد پنج حلقه‌ای واردن» که نشأت گرفته از «راهبرد مراکز ثقل» کلاوزویتس است، مراکز نظامی در حلقه پنجم آن جای می‌گیرد. طرفداران این راهبرد معتقدند که بهترین وظیفه در طرح‌ریزی یک عملیات تهاجمی، شناسایی مراکز ثقل شامل؛ زیرساخت‌های نظامی و تأسیسات کشور مورد تهاجم می‌باشد. (سعیدی عباس، ۱۳۸۷: ۳۳۸) تئوری پنج حلقه واردن بر کلیت دشمن جهت ارائه یک تصویر قابل فهم از یک پدیده پیچیده تمرکز دارد تا بدان وسیله بتوان اقدام و یا اقدامات مناسب را انجام داد. در مجموع هدف نهایی این تئوری این است که کشور موردتهاجم امکان انجام هر اقدامی در سطوح سیاسی، اقتصادی، تولیدی و نظامی را از دست دهد و نیز در یک چارچوب زمانی فشرده، حوادث مختلف و ناگوار و درعین حال پیچیده‌ای را برای او ایجاد نماید که امکان جبران خسارات، تغییر طرح‌ها، فراهم آوردن ضد حمله و... میسر نباشد. برای دستیابی به اهداف تئوری پنج حلقه واردن شناخت ویژگی‌ها و نواقص آن به‌عنوان یک ضرورت مطرح است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. ازجمله ویژگی‌های عمده و مصادیق عینی تئوری پنج حلقه واردن عبارت از:

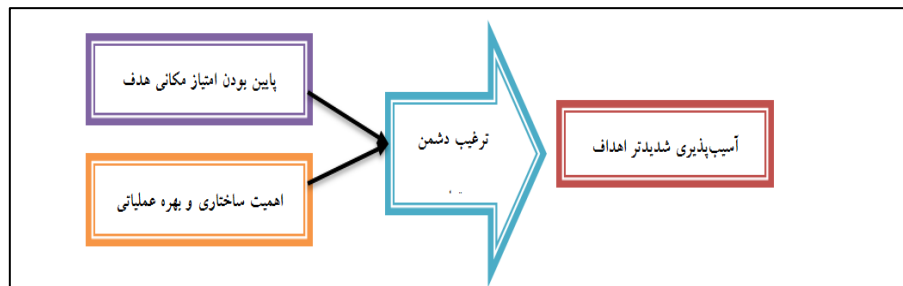
- تأکید بر جنگ برق‌آسا و جنگ در راستای اهداف از پیش تعیین شده با تأکید بر فلج سازی استراتژیک کشور و یا قلمرو سرزمینی خاص.

- استفاده از نیروی هوایی به‌عنوان مهم‌ترین عنصر مؤثر جهت اخلال و نابودی سیستم‌ها.

اکنون واضح است که بعد از هشت سال دفاع مقدس، وقوع جنگ‌های متعدد در حریم مرزهای کشور ایران، حضور نظامی آمریکا و کشورهای غربی در منطقه با اهداف راهبردی؛ محاصره، مهار، تضعیف، داشتن پایگاه‌های نظامی در کشورهای همسایه و... به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است و به خصوص وجود طیف گسترده تهدیدات بالقوه و بالفعل در کانون‌های بحران پیرامون کشور، مسئولان ذی ربط را بر آن می‌دارد که به‌عنوان یک اصل مهم در برنامه‌ریزی‌های شهری و نظامی به آمایش و مکان‌یابی مراکز نظامی و حساس استان‌های مرزی

توجه ویژه‌ای داشته باشند.

برابر الگوهای استاندارد مدیریت بحران کلیه مراکز تهیه مواد سوختی مانند؛ پالایشگاه‌های نفت و گاز، نیروگاه‌های برق و مراکز انتقال و ذخیره‌سازی مواد نفتی از جمله اهداف با اهمیت جنگی تلقی می‌شوند. بنابراین گروهی از اهداف که به‌طور مستقیم با تهیه مواد سوختی و انرژی سروکار دارند در حلقه دوم واردن قرار دارند. مراکز مهم مواصلاتی مانند؛ فرودگاه و ترمینال و ایستگاه راه‌آهن استان به عنوان زیرساخت‌های مواصلاتی در حلقه سوم واردن قرار می‌گیرند و این امر به مفهوم میزان اهمیت اهدافی است که پیش‌ازاین تعیین و متمایز شده است. نتایج کسب‌شده از حلقه‌های استراتژیک واردن نشان می‌دهد که اولویت اهداف دشمن در جنگ علیه اهداف عملیاتی، به میزان اهمیت عملیاتی و پائین بودن امتیاز مکانی آنها بستگی دارد. درواقع نقش برجسته اهداف در تأمین نیازمندی جامعه در کنار غیرقابل‌دفاع بودن آنها به‌عنوان مؤلفه‌های مهمی و به‌صورت توأم؛ دشمن را ترغیب به تهاجم شدیدتر می‌کند، این نکته را با نمودار زیر می‌توان نمایش داد:



نمودار ۳. اولویت بندی اهداف دشمن در جنگ علیه اهداف عملیاتی

منبع: (سعیدی عباس: ۱۳۸۷)

پایین بودن امتیاز مکانی و آمایشی به مفهوم ایجاد انگیزه و تسهیل تهاجم با هزینه و ریسک کمتر برای دشمن تلقی گردیده و اهمیت ساختاری هدف به معنی زمین‌گیر کردن کشور موردتهاجم با حذف امکانات عملیاتی آن می‌باشد. شدیدترین وضعیت قابلیت تصور در رابطه با مورد هدف قرار گرفتن اهداف و تأسیسات مهمی مانند؛ نیروگاه‌های برق، پالایشگاه نفت، مرکز ارتباطات راه دور صداوسیما و فرودگاه‌ها و... ناشی از شلیک و اصابت به آنها وجود دارد که در اولویت تهاجم نظامی دشمن قرار دارند لذا بر اساس اهمیت و کارایی واحدها، احتمال اصابت موشک به آنها افزایش می‌یابد تا جایی که یک هدف حیاتی مانند؛ نیروگاه، بالاترین سطح احتمال دریافت موشک با کلاهک انفجاری را به خود اختصاص می‌دهد. نتیجه کلی اینکه؛ اهداف منتخب به سهولت در لیست تهاجمات دشمن واقع می‌شوند منتهی ترتیب توالی آنها معین می‌سازد که کدام‌یک از اهداف در ۱۵ روز اول و کدامین آنها در دوره دوم و سوم جنگ مورد تعرض قرار خواهند گرفت که به نوع سلاح مورد استفاده دشمن بستگی دارد. بدیهی است اگر دشمن از سلاح‌های انفجاری و موشکی مثل EMP (بمب الکترومغناطیسی) استفاده کند؛ اهداف بیشتری را به‌صورت توأمان موردتهاجم مؤثر قرار خواهد داد و امکان تهاجم به اهداف متفرق را افزایش خواهد داد. لذا بر اساس استانداردهای بین‌المللی و داخلی، هدف اصلی پدافند غیرعامل؛ کاهش ریسک تأسیسات است که از دو راه امکان‌پذیر است: اول؛ از طریق کاهش میزان احتمال وقوع تهدید؛ دوم؛ از راه کاهش دامنه خسارت تهدید. اما به دلایل زیر طرح‌های مؤثر بر کاهش احتمال تهدید نسبت به عوامل کاهش خسارت برتری قابل‌توجهی دارند: ۱. به‌طورکلی هزینه مربوط به طرح‌های کاهش احتمال، نسبت به طرح‌های کاهش خسارت کمتر است ۲. طرح‌های

کاهش خسارت بر مبنای مقادیر پیش‌بینی شده ظرفیت تسلیحات مورد استفاده در تهدیدات طراحی شده‌اند و همواره احتمال افزایش ظرفیت تسلیحات وجود دارد وقتی فرایند ظرفیت تسلیحات از مقادیر طراحی خیلی بیشتر باشد، طرح‌های کاهش خسارت کارایی خود را از دست خواهند داد. طرح‌های کاهش احتمال نیز از وقوع تهدید جلوگیری می‌نمایند و محدود شدن امکان وقوع تهدید تأثیر زیادی در ایمنی و کاهش هزینه‌های ایمن‌سازی دارد. بدیهی است؛ معیارهایی که باعث کاهش احتمال می‌شوند، تأثیر مطلوب‌تری بر کاهش ریسک تأسیسات خواهند داشت. به‌طور کلی شناسایی، سنجش و رعایت معیارهای تهدیدات باعث کاهش احتمال وقوع آن‌ها می‌شود. در نتیجه شاخص‌ها و معیارهای آسیب‌پذیری نیز کاهش پیدا می‌کنند. شناسایی و اجرایی شدن معیارهای آمایش سرزمین و مواصلاتی و تسهیلاتی نیز موجب کاهش خسارت تهدید می‌گردد. (سعیدی عباس، ۱۳۸۷: ۳۳۸)

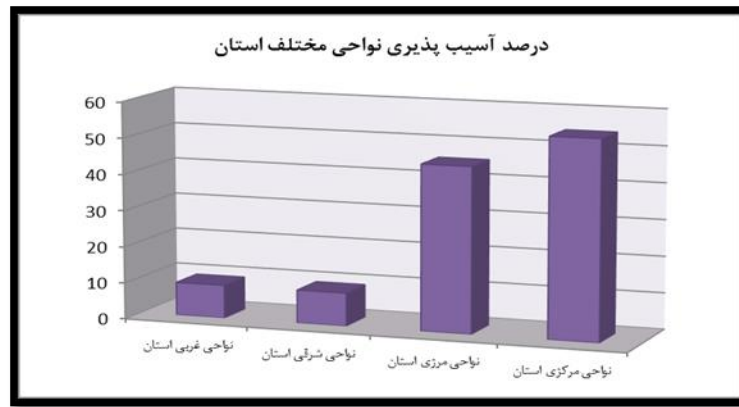
تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

ارزیابی منابع و دارایی‌های آسیب‌پذیر استان کرمانشاه

در این بخش ابتدا فهرستی از منابع و دارایی‌های آسیب‌پذیر استان کرمانشاه مشخص شده سپس نوع خطر، آثار اولیه و ثانویه آن و نیز میزان اهمیت و سطح خسارت مالی و آسیب‌پذیری هر یک در مقابل حملات دشمن به ویژه حملات هوایی و موشکی ارزیابی و تحلیل می‌شوند، قابل ذکر است در اثر اصابت انواع سلاح‌های جنگی به ویژه بمب‌های لکترومغناطیسی به اهداف استانی؛ خطرات و آتش‌سوزی و بعضاً انفجارهای قابل ملاحظه‌ای صورت می‌گیرد اما نسبت این خطرات و پیامدهای آن‌ها با یکدیگر برابر نیستند. در این راستا برخی اهداف مانند؛ فرودگاه بین‌المللی، نیروگاه حرارتی و پست‌های برق، کارخانه‌های پتروشیمی، مرکز صداوسیما، ایستگاه تلویزیونی و رادیویی، بیمارستان‌ها و مراکز هلال احمر، منابع ذخیره سوخت، ساختمان‌های اداری و مراکز تصمیم‌گیری مثل استانداری، تصفیه‌خانه‌ها و ایستگاه‌های پمپاژ آب شرب، سیلوه‌های ذخیره آرد و گندم، پایانه‌های حمل و نقل، مرکز ارتباطات راه دور مخابرات و مراکز تلفن، ایستگاه‌های پمپاژ گاز، پالایشگاه‌ها و ایستگاه‌های پمپاژ نفت. به عنوان اهداف مهم استانی مشخص شده‌اند و در اولویت تهاجم نظامی دشمن قرار دارند و اگر مورد حمله دشمن قرار گیرند علاوه بر انهدام و انفجار آنها در ساعات اولیه یک سری آثار اولیه مانند؛ بروز تلفات انسانی، تعطیلی فعالیت‌های عادی، قحطی و کمبود غلات، قطع عملیات تولید برق، انتشار امواج مضر و گازهای سمی، انفجار مخازن سوخت، قطعی روند تهیه و توزیع آب آشامیدنی، از بین رفتن اقلام مورد نیاز برای مدیریت بحران، قطع ارتباطات راهبردی و ارتباطات ریلی، جاده‌ای و هوایی، تعطیلی و کمبود تخت‌های بیمارستانی و مراکز درمانی، انهدام امکانات تولید محصولات و... را به همراه دارد که دارای آثار ثانویه‌ای نیز می‌باشند لذا برخی از مهمترین آثار ثانویه آنها عبارتند از: عدم امکان فعالیت‌های پشتیبانی مانند؛ جابجایی، تخلیه مجروحین و عدم امکان فعالیت‌های درمانی مانند مداوا و انتقال مجروحین، قطع هر نوع عملیاتی که به برق نیاز دارد، آثار سوء و عملیات روانی دشمن علیه مردم، عدم امکان تأمین سوخت جایگزین، دشواری تحمل هوای پناهگاه و اماکن شغلی و ارتباطی، قطع ارتباط مدیریتی، بروز اختلال در فرایند مدیریت بحران و کاهش ذخیره امکانات در مدیریت بحران، از دسترس خارج شدن شبکه توزیع آب و مواجهه شدن جامعه با بی‌آبی و بروز بیماری‌های مسری، قطع ارتباطات جاده‌ای، ریلی و هوایی و امکانات حمل و نقل، قطع گاز مصرفی شهرنشینی و تأثیرات آن در سوخت خودرو، پخت نان و گرمایش منازل و... آلودگی محیط‌زیست برای انسان‌ها و حیات جانوری و گیاهی، دامداری و کشاورزی، کاهش و

یا از بین رفتن ذخیره فرآورده‌های نفتی مثل نفت، گازوئیل و بنزین و بروز مشکل در سوخت خودروها و... خواهد شد که به میزان اهمیت هر یک از اهداف و سطح خسارت آنها را می‌توان ارزیابی نمود. همچنین زیرساخت‌ها و مراکز نظامی مانند؛ سامانه‌های اعلان راداری، مواضع و سایت‌های سامانه‌های توپخانه‌ای و موشکی پدافند هوایی، پایگاه‌های هوایی، پایگاه‌های موشکی زمین به زمین، پایگاه‌های زمینی، مراکز تعمیراتی و انبارهای قطعات یدکی، یگان‌های عملیاتی، خطوط مقدم قرارگاه‌های تاکتیکی، مراکز و پادگان‌های نظامی، مقرهای عمده بسیج مردمی و... چنانچه با دقت لازم شناسایی و مورد هدف قرار گیرند، با انهدام اهداف یاد شده و کسب برتری هوایی، هواپیماها و هلی‌کوپترهای تهاجمی دشمن با آزادی و ابتکار عمل لازم، عملیات هوایی را انجام می‌دهد و زمینه عملیات زمینی و اشغال استان و مراکز مذکور را مهیا می‌کند که دارای آثار سوء روانی بر مردم، مسئولان و نیروهای مسلح است.

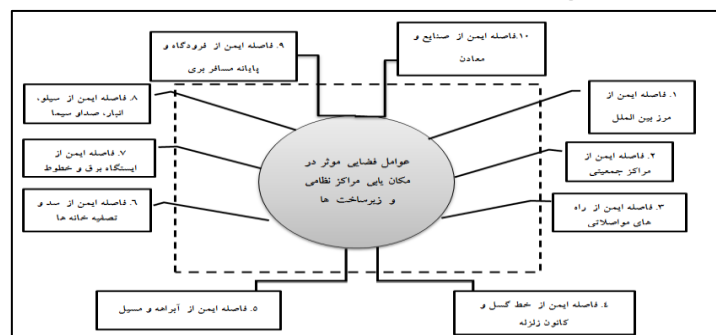
بنابراین با بررسی‌های انجام‌شده در زمینه میزان تأثیرگذاری تهدیدات خارجی بر دارایی‌های مهم استان کرمانشاه مؤید این مطلب است که بالاترین اثرگذاری‌های تهدید بر دارایی‌ها و منابع استان، تهدید حملات هوایی و حملات موشکی است. همچنین بررسی پراکندگی دارایی‌های استان کرمانشاه مؤید این مطلب است که بخش اعظم دارایی‌های فوق در مناطق مرکزی و شرقی واقع شده‌اند یعنی ۸۷ درصد اهداف استانی را در بردارد و این مسئله آسیب‌پذیری این منطقه از استان را به حداکثر می‌رساند. بر اساس داده‌های دریافتی، حداکثر فاصله میان اهداف استانی، یعنی از غربی‌ترین نقطه استان کرمانشاه در جوار کشور عراق تا شرقی‌ترین آن در نزدیکی استان همدان، در حدود ۴۰۰ کیلومتر می‌باشد. از طرفی متناسب با پراکندگی دارایی‌ها، پراکنش جمعیت استان نیز به گونه‌ای است که بخش اعظم جمعیت استان در مناطق مرکزی و شرقی استان متمرکز شده‌اند و این موضوع آسیب‌پذیری‌ها را دوچندان می‌نماید این موضوع در کنار این مسئله که ژئومورفولوژی و شکل ارتفاعات بخش شرقی استان برعکس ارتفاعات مرزی از قابلیت دفاعی مناسبی برخوردار نیستند و اینکه منطقه بیستون به لحاظ استقرار واحدهای نیروگاهی، پتروشیمی، سیلوی ذخیره‌سازی و... امکان تهاجم هوایی و موشکی دشمن را بیشتر نموده لذا ضرورت توجه هر چه بیشتر و برنامه‌ریزی بهتر در زمینه پدافند غیرعامل را می‌رساند. بخش مرکزی استان کرمانشاه نیز به دلیل دربرداشتن بخش اعظم مراکز حساس و مهم استان کرمانشاه آسیب‌پذیر می‌باشد، زیرا دشمن قادر به انهدام و تعطیلی تعداد زیادی از مراکز با ارزش استان خواهد بود پس از آن مناطق مرزی استان که به دلیل موقعیت مرزی با تهدیدات نظامی ناشی از حملات زمینی دشمن، تهدیدات امنیتی ناشی از قوم‌گرایی و جدایی‌طلبی، گرایش‌های سلفی‌گری و وهابیت، تهدیدات اقتصادی ناشی از فقر و عدم توسعه‌یافتگی روبرو می‌باشد و در نهایت نیز مناطق شرقی که با تهدیداتی همچون حملات هوایی و موشکی دشمن به دلیل تمرکز مراکز حساس و مهم در این ناحیه مواجه می‌باشد. نتیجه اطلاعات برآمده از این روند در غالب نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۲. درصد آسیب پذیری نواحی مختلف استان کرمانشاه

عوامل فضایی موثر برای مکان یابی مراکز نظامی و زیرساخت ها

همانطور که ذکر شد آنچه که آموزش یک مفهوم جغرافیایی را سهولت بخشد و در ساده کردن تفهیم یک موضوع پیچیده جغرافیایی کمک کند یا یک نظریه یا فرضیه جغرافیایی تجربه شده را اثبات کند، آن را مدل جغرافیایی می نامند زیرا از طریق این روش، نمودار و الگویی دل خواه از واقعیت را برای نمایش برخی ویژگی‌های آن برپا می‌دارد. در این مقاله برای ساده کردن تفهیم موضوع آمایش دفاعی - امنیتی از مدل ادراکی یا استنتاجی استفاده شده است که از طریق آن بررسی‌های به عمل آمده از یک نظریه را در قالب یک نمودار، شکل یا نقشه در یک محیط واقعی تعریف می نماید. به‌طورکلی در استقرار و مکان‌یابی مراکز و استقرار گاه‌های نظامی، همچنین واحدهای تولیدی و صنایع و کارخانه‌های استراتژیک (پتروشیمی، ذوب‌آهن، صنایع غذایی)، زیرساخت‌ها و مراکز حساس و حیاتی دو دسته از مباحث و عوامل مشاهده می‌شود: یک دسته عوامل مؤثر غیرنظامی شامل؛ عوامل اقتصادی، مباحث فنی، طبیعی و مدیریت تولید است که از جمله این عوامل می‌توان به دسترسی مناسب به مواد اولیه، منابع نیروی انسانی و نقاط مصرف، شبکه‌های ارتباطی، رعایت ضوابط زیست‌محیطی، منابع آب، هم‌جواری‌ها و... اشاره کرد دسته دیگر، وضعیت توپوگرافی، واقعیت‌ها، عوامل نظامی و... هستند که به‌طور عمده در قالب ملاحظات دفاعی - امنیتی مطرح می‌باشند لذا بر اساس نوع و سطح تهدیدات دشمن، برای مکان‌یابی مراکز نظامی و سایر زیرساخت‌ها چندین عامل فضایی در مدل نموداری زیر ارائه شده که با استقرار مناسب و رعایت فاصله ایمن از آنها می‌توان دفاع و امنیت را برای این مراکز فراهم ساخت. این عوامل عمده عبارتند از؛ مرز بین الملل، مراکز جمعیتی، راه‌های مواصلاتی، خط گسل و کانون زلزله، آبراهه و مسیل، سد و تصفیه خانه‌ها، ایستگاه برق، گاز، سیلو، انبارها، صدا و سیما، فرودگاه و پایانه مسافربری، صنایع و معادن و...



نمودار ۴. متغیرها و عوامل فضایی موثر در احداث مراکز نظامی و زیرساخت‌های مهم

با توجه به نو بودن بحث ملاحظات دفاعی - امنیتی متأسفانه در موارد زیادی از طرح‌های آمایشی استان کرمانشاه این مهم مورد توجه قرار نگرفته است، در صورتی که رعایت ملاحظات دفاعی - امنیتی قبل و یا در زمان احداث و استقرار این گونه مراکز باید در نظر گرفته شود و در صورتی که استقرار آن‌ها بدون رعایت این ملاحظات انجام شده باشد، باید با انجام اقدامات مختلف در قالب پدافند غیرعامل و... و رعایت موارد ذکر شده در مدل نموداری شماره ۴ مانع از آسیب‌پذیری این مراکز در مقابل حملات و تهاجم نظامی دشمن و افزایش خسارت‌ها گردید.

نتیجه‌گیری

هدف از آمایش سرزمین در رابطه با بخش دفاع، استقرار بهینه واحدهای نظامی در فضا برای تأمین حداکثر قابلیت دفاع و حداقل آسیب‌پذیری می‌باشد و رویکرد آمایشی به ساماندهی سازمان دفاعی یک کشور باعث می‌شود که سازمان فضایی نیروهای مسلح به گونه‌ای در فضا استقرار پیدا کند که حداکثر امنیت و قابلیت دفاعی را برای کشور فراهم کند. این مقاله با این رویکرد، مفهوم جدیدی از تلفیق معیارهای جغرافیایی با مفاهیم آمایش دفاعی - امنیتی ارائه داده است و مطالب ارائه شده گویای آن است که هر گونه آمایش دفاعی - امنیتی بدون توجه به تهدیدات و قابلیت‌های دشمن، محیط پیرامونی و نیز تهدیدات طبیعی و انسانی امکان‌پذیر نیست و تأثیر چندانی در کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش قابلیت‌های دفاعی در مواقع جنگ و بحران نخواهد داشت. این موضوع مهم برای استانی با ویژگی‌های استان کرمانشاه که با ترکیبی از تهدیدات مواجه است اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که متأسفانه در استان کرمانشاه بخش اعظم دارایی‌ها و مراکز نظامی بدون توجه به تهدیدات دشمن و راهبرد انهدام مراکز ثقل و همچنین برخلاف مبحث ۲۱ پدافند غیرعامل در مناطق مرکزی و شرقی و پیرامون مناطق مسکونی و راه‌های اصلی مکان‌یابی و استقرار یافته‌اند که در گذشته جزو محدوده خارج از شهرها بوده‌اند این مسئله در کنار اینکه شهر کرمانشاه بیش از نیمی از جمعیت استان را در خود جای داده آسیب‌پذیری‌های این بخش در برابر حملات هوایی و موشکی دشمن را دو چندان نموده است همچنین ژئومورفولوژی ارتفاعات بخش شرقی استان به گونه‌ای است که برخلاف ارتفاعات مرزی از قابلیت دفاعی مناسبی برخوردار نیستند لذا این ناحیه از استان با تهدیداتی همچون حملات هوایی و موشکی دشمن به دلیل تمرکز مراکز حساس و مهم روبرو می‌باشد و ضرورت برنامه‌ریزی بهتر در زمینه پدافند غیرعامل را می‌رساند. پس‌از آن مناطق مرزی استان که به دلیل موقعیت مرزی با تهدیدات ناشی از حملات زمینی دشمن، تهدیدات امنیتی ناشی از قوم‌گرایی و جدایی‌طلبی، گرایش‌های سلفی‌گری و وهابیت، تهدیدات اقتصادی ناشی از فقر و عدم توسعه‌یافتگی روبرو می‌باشد و ساخت مراکز نظامی عمده و نیز تأسیسات مهم را با محدودیت‌های جدی در این ناحیه مواجه می‌نماید لذا پیشنهادت زیر ارائه می‌گردد:

۱. از لحاظ دفاعی و بر اساس اصل پراکندگی پدافند غیرعامل توصیه می‌شود مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه به نقاط امن خارج از شهرها انتقال پیدا کنند چرا که تمرکز بیش از حد در یک منطقه جغرافیایی آن منطقه را با تهدیدات اساسی روبرو خواهد کرد.

۲. در آمایش فضایی واحدهای نظامی استان کرمانشاه، بخش‌های زیادی به دلیل عدم رعایت الزامات امنیتی، جزو

محدوده‌های با ضریب امنیتی پایین مشخص شده و از یک نوع آشفتگی و آناارشی فضایی برخوردار است و چارچوب نظری سامانندی برای مکان‌یابی آنها وجود ندارد و غالباً بدون نظم منطقی در سطح فضا پراکنده‌اند لذا چینش عاقلانه فعالیت‌های نظامی در پهنه سرزمینی استان کرمانشاه به منظور کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، یک اولویت دفاعی است و روش منطقی تر آن است که نخست به طبقه‌بندی انواع استقرارگاه‌های نظامی بر اساس ماهیت، اهمیت و کارکرد آنها پرداخته شود سپس محدوده‌های ایجاد هر کدام از این استقرارگاه‌ها مشخص گردد و حتی الامکان از استقرار واحدهای فرماندهی و ستاد، واحدهای تولید برتر و همچنین صنایع نظامی استراتژیک و صنایع مادر در مناطق مرزی به دلیل ویژگی تماس با محیط خارجی و تهدیدات خودداری گردد.

۳. برای جابه‌جایی برخی کارخانه‌جات و صنایع نظامی باید تدابیری اندیشیده شود و دو موضوع مورد توجه قرار گیرد: ۱. بعضی از این تأسیسات در مکان‌های فعلی خود از بازدهی مناسبی برخوردار نیستند و ضرورت دارد کاربری آنها تغییر پیدا کند. ۲. بعضی از صنایع مهمات‌سازی و تسلیحاتی در داخل شهرها یا در محدوده آن قرار دارد که بسیار خطرناک بوده و ایجاب می‌کند با توجه به نوع تولیدات به مکان‌های دیگری منتقل شوند.

۴. بعضی از فعالیت‌ها که وابستگی مکانی دارند از انعطاف لازم برای جابجایی مکانی برخوردار نیستند یعنی اینکه نمی‌توان آنها را جا به جا کرد و از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل کرد زیرا ضرورت مکانی دارند مثل؛ فعالیت‌های معدن پایه یا انرژی پایه، پالایشگاه‌های نفت و گاز و... در این گونه فعالیت‌ها، پارامتر اصلی امنیت و دفاع است که ضامن حیات و سلامت آن می‌باشد. از این رو، در آمایش آنها، بخش دفاعی باید وظیفه تأمین نیازهای امنیتی آنها را بر عهده گیرد و با بهره‌گیری از امکانات طبیعی آن منطقه و نیز رعایت اصول پدافند غیرعامل و سایر نکات پدافندی آنها را در معرض آسیب‌پذیری کمتری قرار دهد.

۵. از نظر انسانی، فضا‌های جغرافیایی شکاف آفرین، بدون سکنه، بدون فعالیت اقتصادی و فقیر در نواحی مرزی برای امنیت استان تهدید آفرین هستند لذا برای افزایش ضریب امنیتی حاشیه‌های مرزی انجام یک سری فعالیت‌های اقتصادی و توسعه محور ضروری است به گونه‌ای که قابلیت‌ها و فرصت‌های فضایی جدیدی مانند؛ دیواره‌های انسانی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی بی‌آفرینند که انسان‌ها، سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی نیز در پیشگیری از پیشروی نیروهای دشمن و عملیات تأخیری نقش مکمل را داشته باشند بنابراین توجه و تجهیز حاشیه‌های تخلیه و تضعیف شده جمعیتی و ارتقاء سطح توسعه فضایی آنها یک اولویت دیگر در آمایش دفاعی - امنیتی استان کرمانشاه محسوب می‌شود.

منابع

آسایش ح. (۱۳۷۵)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای؛ دانشگاه پیام نور
 امینی ورکی، سعید و کریمی، رضا (۱۳۹۲). ملاحظات مکان‌یابی استقرارگاه‌های نظامی (پادگان) در مناطق مرزی. ششمین کنگره انجمن ژئوپولیتیک ایران، مشهد.
 افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی؛ مقاله مطالعات امنیت ملی پس از جنگ سرد، پژوهشکده مطالعات راهبردی

پاشا زاده، منوچهر؛ سیدین، افشار و پارسایی مقدم، مهدی. (۱۳۹۶). تحلیل نقاط بهینه استقرارگاه‌های نظامی بر مبنای ملاحظات دفاعی - امنیتی با استفاده از GIS (مطالعه موردی: استان اردبیل)، فصلنامه مدیریت انتظامی، سال

- هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۳-۵۱.
- پوراحمد.ا. (۱۳۸۱)، عدم تعادل در نظام شهری کشور و آمایش سرزمینی؛ مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۱.
- پورمحمدی، محمدرضا و ملکی، کیومرث. (۱۳۹۵). پدافند غیرعامل؛ استراتژی‌های توسعه و امنیت منطقه شهری، انتشارات: موسسه نشر شهر با همکاری معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، چاپ اول زمستان.
- پور موسوی س. م. (۱۳۸۶)، ملاحظات امنیتی و دفاعی در آمایش سرزمین: فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۱۵.
- پوری رحیم، علی اکبر و شهردار، شهاب‌الدین. (۱۳۹۰). ملاحظات مکان‌یابی و آمایش دفاعی در سازه‌های مدفون، مجموعه مقالات سومین همایش ملی پدافند غیرعامل، دانشگاه ایلام، ۸ الی ۸ اردیبهشت‌ماه.
- جلالی فراهانی، غلامرضا. (۱۳۹۱). چهار گفتار در باب پدافند غیرعامل، تهران: انتشارات نقش یاس.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). ژئوپلیتیک جدید ایران در جهان پس از جنگ سرد، مجموعه مقالات جغرافیا و کاربردهای دفاعی امنیتی، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع).
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین؛ مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- چوخاچی زاده مقدم، م. ب. (۱۳۸۱)، آمایش و دفاع سرزمینی؛ مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ربیعی، علی. (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم، چاپ دوم، انتشارات: وزارت امور خارجه.
- رهنمایی، م. ت. (۱۳۸۱)، آمایش سرزمین و کاربردهای دفاعی؛ مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- رزق آرا، علی (۱۳۲۲)، جغرافیای نظامی ایران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه. (۱۳۹۶). مطالعات طرح آمایش استان کرمانشاه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، کرمانشاه.
- سالاری فر، م. (۱۳۸۱)، پدافند غیرعامل در آمایش استقرار صنایع نظامی؛ مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۱.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه. (۱۳۹۵).
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمانشاه، ۱۳۸۶.
- سهامی، حبیب‌الله. (۱۳۸۶). آمایش و مکان‌یابی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- سعیدی، عباس. (۱۳۸۷) مدل‌های بهینه‌سازی، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران، ۱۳۸۷.
- شمسایی زفرقندی، فتح‌الله (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر آمایش و مکان‌یابی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

۸۲۴ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۴۰۰

صفوی، سید یحیی. (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر جغرافیای نظامی ایران (شمال غرب و غرب کشور) (جلد ۱) ص ۱۲۵. عزتی، عزت‌الله و میرزایی پور، هوشنگ. (۱۳۹۰). بررسی مناطق مرزی استان کرمانشاه با عراق و نقش آن در اهداف استراتژیک ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم، پاییز، صص ۱۹-۳۳.

عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰). نظریه پایه آمایش مناطق مرزی؛ تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

محمدی ده چشمه، مصطفی (۱۳۹۲). ایمنی و پدافند غیرعامل شهری. چاپ اول، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.

محمودی، س. م. (۱۳۸۸)، تحلیلی بر سیر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه، مجله آمایش سرزمین، سال اول شماره اول.

ملکی، کیومرث. (۱۳۹۱). ارزیابی و تحلیل آسیب‌پذیری کاربری‌های حساس شهر تبریز از منظر پدافند غیرعامل با تاکید بر بحران زلزله با استفاده از GIS، طرح تحقیقاتی همکاران بخش دفاعی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، بهار.

مقدم نیا، حیدر علی و همکاران (۱۳۹۲)، استان شناسی کرمانشاه، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

موحدی نیا، جعفر. (۱۳۸۶). اصول و مبانی پدافند غیرعامل، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.